

یادداشت
<div><b>استاد صلواتی</b></div> <div><b>غناي در اندیشه و استقلال در روش</b></div>
<div><span></span></div> <div><div><span><span></span></span></div><div><span><b>سیدمحمود حسینی</b></span></div></div>

**روز ۲۰ مرداد ۱۴۰۰** مراسم نکوداشت استاد فضل‌الله صلواتی با سابقه ۶۰ سال تلاش و مبارزه، در کتابخانه ملی برگزار و آثار و کتب او رونمایی شد.

دکتر صلواتی در طول حیات خود این توفیق را داشته که در عرصه‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و تحقیقاتی فعال و بلکه پیشتاز باشد. او مجاهدی شجاع و نستوه در مبارزه با رژیم شاه، شاعری پرشور، نماینده‌ای فصال در کنار مردم، منتقدی دلسوز برای جمهوری اسلامی ایران، روشنفکری متعهد به زدودن زنگارها و تجحر از چهره دین و بالاخره پژوهشگری مبتکر در شناساندن چهره واقعی امامان شیعه باشد.

در این مقال کوتاه می‌خواهم به ویژگی مهم دکتر صلواتی که برای نسل جوان ما درس‌آموز است، اشاره کنم.

او در طول بیش از نیم‌قرن فعالیت خود همواره استقلال فکری و روشی خود را حفظ کرد و در مقابل افکار و جریان‌های غالب آن دوران، بر هدف و مسیر خود عالمانه پایمردی کرد. درعین‌حال همواره شیوه او با جریان‌های فکری و سیاسی تعاملی بود.

با اینکه در اطراف و حتی در بین نزدیکان و دوستان ایشان جریان انجمن حجتیه که بهائیت را خاطر اصلی می‌دانست و مبارزه با رژیم شاه را از قاموسی فعالیت‌های خود کنار گذاشته بودند، حضور داشتند، هرگز با آنها همراه نشد. از طرف دیگر جریان روحانیت ولایتی بودند که معتقدند هر پرچمی قبل از قیام قائم برافراشته شود، ضلالت و صاحب آن طاغوت است.دکتر فضل‌الله صلواتی این‌جماعت را هم به خود واگذاشت.

به موازات این تفکر عافیت‌طلبانه، سازمان مجاهدین خلق با مشی مسلحانه از سال ۵۰ در عرصه مبارزات ضد رژیم شاه ظهور کرد و در بین جوانان و دانشجویان و اکثر نیروهای مبارز مذهب جادیت و زهمونی بسیار قوی پیدا کرد. اما صلواتی نه تحت تأثیر جریان‌توحیدگر، سکوت و عافیت‌طلبان واقع شد و نه جذب روش مبارزاتی مخفی و مسلحانه مجاهدین خلق و جوانان هسواد آنان، با همه خلوص و فداکاری که داشتند، شد.او مشی خود را داشت. مبارزه علنی با ظلم و فساد دستگاه حاکمه و آگاهی بخشی به مردم در کسوت شاعر، معلم و سخنرانی در محافل و مجالس مختلف تا جایی که حتی از فرصت اردوهای پیشاهنگی آن دوران نیز برای نشر آگاهی‌ها و جذب جوانان و نوجوانان بهره می‌برد.

بااین‌همه با جریان‌های فکری و دینی که با مشی او ناسازگار بودند، شیوه تعاملی داشت و با آنها مقابله مستقیم نداشت.

زندانیان سیاسی از دوران زندان او نقل می‌کنند که مانند برخی از مبارزان آن دوران تتره‌طلب نبود و روابط خود را حتی با زندانیان عادی به‌راحتی برقرار و با آنان گفت‌وگو می‌کرد.

دکتر صلواتی با غناي در اندیشه و استقلال در روش و ارتباطات گسترده و راحت با اقشار مختلف مردم، توانست در فرار و فرودهای پرشتاب نیم‌قرن گذشته خود را حفظ کند و شخصیتی شایسته الگوگیری نسل‌های آینده باشد.

**گزارش مراسم نکوداشت استاد فضل‌الله صلواتی**

# «مجاهدان پیش از فتح»

محمّد آژاد: استاد فضل‌الله صلواتی، گرچه در سطح ملی شناخته شده

است، اما در زادگاهش که جز در دوره نمایندگی مجلس اول آن را ترک نکرد، به قول فرنگی‌ها «سپیتی‌آیکون» است. یعنی همان چهره شناخته‌شده خودمان، از نмаدهای شهر و یک روز اگر در شهر قدم بزند ملت به احترامش کلاه از سر برمی‌دارند. سابقه فعالیت سیاسی صلواتی به اوایل مبارزه با رژیم پهلوی برمی‌گردد. نزدیک به نهضت آزادی و جریان ملی بود، اما جامعیت کار و روابطش و نیز نوشته‌های پرجمش او را به قول خودش «فوق جناحی» کرده است. اتفاقی که از دهه ۲۰ آغاز شد و پس از انقلاب هم ادامه پیدا کرد، بحرانی بود که برای لهجه اصفهانی به وجود آمد؛ کم‌دین‌های کلاسیکی که در این دوران محبوب قلوب مردم شدند کاری با لهجه اصفهانی کردند که امروز شما در حال ایراد سخنرانی غربانی درباره «هکل» و «ملاصدرا» هم باشید مردم می‌خندند و فکر می‌کنند شوخی می‌کنید. دکتر صلواتی با تلفیق این دو، مشکل را حل کرده است. حرف‌های جدی‌اش را چه درباره سیاست چه در شرح نهج‌البلاغه باشد، همراه با شوخی‌هایی می‌کند که کم از طنزنویسی حرف‌های ندارد. گنجینه‌ای از ضرب‌المثل‌ها در آستین دارد و کار سختی که می‌کند به‌کاربردن آن در متن حرف‌هایش و در جای مناسب است که سخنوران می‌دانند آمادگی ذهنی بالایی می‌خواهد و با ورود به ۸۳ سالگی ذره‌ای از آمادگی ذهنی‌اش کم نشده. عمدتاً تاریخ اسلام می‌نویسد و چیزهای دیگر هم. روزنامه‌نگاری هم در سابقه‌اش هست که با توفیق مجله‌اش، «نوبد» امکان آن از بین رفت.

مجله «نوبد» که خوانندگان خودش را داشت و در سال ۷۷ به طریقی نامتعارف یعنی با حکم دادگاه ویژه روحانیت توقیف شد.

صلواتی در سخن‌گفتن بسیار بی‌پرواست و سخنان انتقادی امروزش را نیز که در مصاحبه با مطبوعات و مقاله‌هایش می‌آید، برای همه‌کس شهامت نقل‌قولش نیست و می‌توانید آن را در گوگل جست‌وجو کنید. همیشه پیگیر کار گرفتاران سیاسی و در بند است و برای این کار از استفاده از روابط دوستانه قدیمش که برخی امروز به سدری کشیده هم دریغ نمی‌کند. مراسم نکوداشتی، روز چهارشنبه در مرکز اسناد و کتابخانه ملی ایران برای او برگزار شد تا هم از ایشان به خاطر فعالیت‌هایش تقدیر شود و هم کتاب‌های جدیدش رونمایی شود. کتابخانه ملی جای باصفایی است که آدمی به آن که وارد می‌شود برای مدتی فراموش می‌کند که در تهران و در این شرایط زندگی می‌کند. اما شرح مراسم.

**بخش اول: قرأت پیام سید محمد خاتمی، پیشتازان نهضت اسلامی**
برخلاف عمده مراسم‌های این‌چنینی این مراسم تقریباً رأس ساعت آغاز شد. ابتدا مجری حرف زد که در این برنامه‌ها بیشتر وقت را خودش می‌گیرد و در آخر از کمبود وقت سخن می‌گوید و این‌بار هم استثنا نبود. سپس سرکار خانم دکتر پروچردی متن خیرمقدمی برای حضار قرائت کرد و ذکر خیر استاد کرد. سپس خاتمی از جانب سیدمحمد خاتمی پیام ایشان برای مراسم را قرائت کرد. در این پیام ضمن اعلام تقدیر از دکتر و بزرگداشت استاد صلواتی از «بی‌مهری و بی‌وفایی» که به ایشان شده سخن گفته شد. به نقش مبارزاتی ایشان اشاره کردند و از او به عنوان «پیشتازان نهضت‌اسلامی» گفته شد، همچنین از محوریت شخصیت ایشان برای اقشار مختلف مردم، روحانیت، دانشگاهیان، کارگران و کارمندان و هدایت جامعه با صفت «پیشتاز» ذکر شد. آقای خاتمی با ذکر «خوشنودها و آزارهایی» که پس از انقلاب بود، می‌نویسد که ایشان هیچ‌گاه بازتولید خشونت نکرد و همواره بر آزادی و رواداری و حق مردم تاکید کرد. پس از انقلاب نیز به گفته رئیس‌جمهور پیشین ایران با آقای صلواتی «نامهربانی و بی‌وفایی» کردند اما او بدون روی‌گردانی از اصل انقلاب «دمی از انتقاد» فارغ نشد و ایشان را عنیمتی برای جامعه ایران خواند که در نهایت برای ایشان طول عمر و سلامت آرزو کرد.

## نکوداشت

**بخش دوم: سخنرانی حجت‌الاسلام دعایی: دکتر همیشه خوش‌تیپ بود!**

آقای دعایی که روی جایگاه رفت و آغاز به سخن‌گفتن کرد معلوم بود حال جسمانی خوشی ندارد و خود نیز به آن اشاره کرد. با لحنی که نشان می‌داد از دل برمی‌آید، گفت: «آقای صلواتی! شما خیلی حق به‌کردن ما دارید». دعایی با اشاره به پیش‌روبودن «نهضت آزادی» در میان نیروهای مسلمان پیش از انقلاب گفت: «عشق ما این بود که برویم و در جلسات دادگاهی که اعضای نهضت را محاکمه می‌کردند بنشینیم و از دفاعات آنها پیام‌وزیم» و در این زمان با چهره‌هایی مانند صلواتی در اصفهان آشنا شدیم. دعایی گفت در زمان مهاجرت اجباری به عراق شعر دکتر صلواتی درباره فلسطین به دستش رسید و با شور و حرارت بارها آن را خواند و برای نشر آن کوشید. پس از انقلاب با دکتر صلواتی در مجلس «هم‌صندلی» شدند. به گفته دعایی صندلی‌های مجلس در آن زمان دوقلو بودند و شش‌ماه در کنار هم می‌نشستند: «در آن شش‌ماه من تربیت شدم، ساخته شدم». خوشبختانه آقای دعایی ادعای طنزنبودن آقای صلواتی را تأیید کرد که لطایف اخلاقی را با طنزهای همراه می‌کردند که فراموش‌نشدنی است. دعایی با ذکر شرایط خاص هفت‌تیر پس از انقلاب گفت خود شاهد بود که با وجود شرایط خاص آن زمان و بی‌حرمتی‌هایی که می‌شد نسبت به پیش‌کسوت‌های مبارزه، تدروی‌هایی می‌شد و حرف‌هایی از تریبون به انقلابیون اصیل می‌گفتند که «اشک از چشمان آقای صلواتی جاری می‌شده و نگرانی خود را این‌گونه نشان می‌داد. سپس خاطره‌های شنیدنی از دکتر صلواتی نقل کرد. ظاهراً یکی از شاگردان جوان ایشان در گذشته که اکنون در کسوت مأمور دستگاه امنیتی بود، به سراغ ایشان می‌آید و می‌گوید تدروی نکندیکه بازداشت می‌شوید و این برای ما سخت است. دکتر صلواتی پاسخ می‌دهد: «جوان! تو بی‌زن تازه همسر از دست‌داده را از عروسی جدید مطلوبش می‌ترسانی!» که همه را به خنده انداخت.

دعایی آقای صلواتی را الگو و سرمشق اعلام کرد و پرورش‌دهنده نسلی که دوران‌ش دارد به سر می‌رسد. دعایی همچنین به «خوش‌تیپی و خوش‌لباسی» استاد اشاره کرد و گفت کسی نبود که برای «اداها و اصول‌ها» لباس خاصی به تن کند و به سخنرانی کوتاه خود پایان داد. سپس کلبیی از یکی از مصاحبه‌های ایشان برای حضار پیش‌شد که در آن خاطراتی از دوران پیش و پس از انقلاب نقل شد و ملاحظه خود را با نظام «تک‌حزبی» آیت‌الله هاشمی‌پادآور شد که اما به اصرار او به حزب پیوست و به‌عنوان نماینده اصفهان در دور اول به مجلس رفت. خاطراتی از دوران استانداری در اصفهان هم نقل کرد و گفت هر روز جلوی استانداری تظاهرات بود و شرایط سخت مالی را یادآور شد که با وجود این پل «فردوسی» اصفهان در این دوران درست شد.

همچنین گفت در جلسهای که به همراه عده‌ای خدمت امام (ره) رفتیم

و به ایشان گفتیم می‌خواهیم حزب تشکیل بدیم و خط سوم را راه

ببندازیم - با اصفهانی سلیس و آمیخته به طنزی که حرف می‌زند -

گفت امام بعداً در سخنرانی گفت: «همون‌ها که هستند دیگه بسه جدید

نمی‌خواهیم.»

**بخش سوم: ورود ناگهانی سیدحسن خمینی**

آدم‌ها صاحب‌نام رفتارهای مشخصی پیدا می‌کنند که تبدیل به ناخودآگاهشان می‌شود و عمدی در آن ندارند. نمونه کوچک آن را در افراد سرشناس یک خانواده هم می‌شود دید. مثلاً این افراد عموماً دیر به میهمانی‌ها می‌روند و حضورشان وقتی همه حاضر شده‌اند، رنگ دیگری به مجلس می‌دهد و همه‌های به پا می‌کند. سیدحسن خمینی ناگهان در اواسط جلسه وارد شد. ورود او به‌گونه‌ای بود که شاید یکی از حضار اگر ایشان را نمی‌شناخت، ممکن بود فکر کند که جلسه حمله



آخرین نکته صحبت‌های ایشان این بود: «باید به همگان گفت انقلابیون مسلمان جریان متحجر مذهبی نبودند؛ بلکه روی دیگر روشنفکری مذهبی بودند. چیزی که بعداً واقع شد، اگر لبه‌تجحر را با خود همراه داشت، آن انقلابیون مبارز قبل نبودند. هیچ‌یک از مبارزان ریشه‌تجحر نداشتند و به همین سبب بحث انجمن حجتیه همیشه مطرح بود که امام (ره) همیشه به آن توجه می‌دادند.» آن گروه شمامت‌کننده پشت سنگر تجحر سنگرگرفته، باید برای نسل آینده به آن توجه و آگاهی‌بخشی شود. در نهایت آقای سیدحسن گفت می‌خواست به بعد شعر استاد هم اشاره کند که فرصتی نیست و سخن را تمام کرد.

**بخش چهارم: رونمایی از کتاب‌ها و سخنان کوتاه دکتر معین**
برای رونمایی از آثار سیدحسن خمینی، دکتر معین، علی جنتی و حجت‌الاسلام دعایی روی جایگاه رفتند و از دو جلد از آثار ایشان رونمایی شد که زمان زیادی نگرفت. سپس دکتر معین روی جایگاه رفت و خیلی کوتاه به خاطراتی از دوران پیش از انقلاب از استاد اشاره کرد. به دوران دبیرستان در اصفهان که با آثار ایشان آشنا شدند و الهام‌بخش ایشان بود و بعد از انقلاب نیز مستقیماً با شخصیت فروتن ایشان آشنا شدیم و به حمایت همیشگی ایشان از خود آقای معین و هم محذوفان و آسیب‌دیدگان و برای غلبه بر پراس جامعه‌از استاد خواستند که در همه عرصه‌ها حضور یابند.

**بخش پنجم: سخنان صریح مهندس ملک‌مدنی**

اگر حتی یک بار با آقای ملک‌مدنی دمخور شده باشید، محال است جذب صراحت و ملاحظت‌گفتار او نشوید. با ذکر آشنایی دیرین خود با استاد با همان صراحت گفت: «من به اندازه فهم خودم حرف می‌زنم. حسن‌اقل از شجاعت حرف زد و زبان من را باز کرد» و گفت: «آقای صلواتی شما وعده‌های خلاف به ما دادید»، خطاب به آقای دعایی هم کرد و گفت توقع دارم چیزهایی را که می‌دانید بگویید! چرا تحریف می‌کنید! خطاب به استاد صلواتی کرد و گفت: «کتاب برای کتابخانه خوب است؛ اما چرا حقایق را نمی‌گویید؟ چرا نمی‌گویید در اصفهان چه بلایی بر سر شما آوردند؟». سخنان آقای نوروزی و شیخ محمود صلواتی به دلیل خودموقت بسیار کوبنده بود و فرصتی به ایشان نرسید که کلامشان منعقد شود.

**بخش نهایی: خود استاد صلواتی**

ساعت از ۹ گذشته بود که آقای دکتر روی جایگاه رفتند و به ایشان هم فرصت مناسبی نرسید و تنها چند دقیقه حرف زدند. حقیقتاً سخنان آقای دکتر بدون لهجه زیبای ایشان چیزی کم دارد: «ما کاری نکردیم، یک خودکاری بود و کاغذی ما هم نوشیم». با یاد جلسه‌ای با امام (ره) گفتند که شما معلم بودید الان هم معلمید. چرا؟! گفتم طلبکار نیستم، معلمی را دوست می‌دارم! الان هم همین‌طور. طلبکار نیستم. سپس به آقای ملک‌مدنی گفتند: «من هنوز هم همه حرف‌هایم را مثل دهه ۴۰ می‌زنم. به رهبری، به مقامات، فکر کنم باید یک رونوشتی هم به شما می‌دادیم.» که نهایت کتاب‌های معروف اصفهانی است. سپس به آقای سیدحسن گفتند که شما امید اسلام را آگاهی ببخشید و شجاعت تشکر کردند مخصوصاً آقای میثمی که با مشکلات جسمی مقالات به این پرمحتوایی می‌نویسید. گفتند باید برای ایشان مراسم بگیرید. بدون شوخی که نمی‌شد: «الان که آفتاب لب‌بام است، البته یک وقت هم خدا خواست عمر ما مثل آقای بهجت و آقای صافی پیشد. (خنده حضار). البته به شرط توانایی نوشتن» و تمام.

# روحی آزادمنشانه با دغدغه دفاع از رنج‌دیدگان

همراه می‌شوند. فرقی نمی‌کند که این‌گونه شخصیت‌های صاحب‌نام و محبوب، در مرکز کشور و در دسترس رسانه باشند یا در جاهای دیگر و به دور از هیاهوی تبلیغات، روزگار بگذرانند.

یکی از شخصیت‌های پرچ‌دبه و دوست‌داشتنی‌که نزدیک به هفت دهه از عمرش در تکاپوی خدمت به جامعه از راه بیدارگری نسل جوان، فعالیت‌های فرهنگی در میان مردم، آموزش علمی، آگاهی‌بخشی سیاسی، مبارزه با ستم و نابرابری دامنه‌دار، مسئولیت‌های نه‌چندان چشمگیر اداری، پژوهش و نویسندگی، تجربه‌ی شعر و شاعری و دیگر فعالیت‌های سودمند دیده می‌شد، استاد فضل‌الله صلواتی است.

دکتر صلواتی، گرچه یک اصفهانی ساکن زادگاه خویش است؛ اما در ردیف شخصیت‌های بزرگ ملی‌شناخته می‌شود؛ چراکه قریب به اتفاق مبارزان و مجاهدان پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، آواره زندان‌رفتن‌ها و شکنجه‌شدن‌ها و تبعیدشدن‌های او را می‌شنیدند و چه بسا بسیاری از آنان

این اندیشمند شجاع را به دفعات در بند رژیم پهلوی دیده باشند و با او مانوس بودند. جز این چون استاد صلواتی پس از پیروزی انقلاب، علاوه بر نمایندگی مجلس و ریاست تشکیلات سوادآموزی کشور، فعالیت مطبوعاتی و تدریس در دانشگاه هم داشت و به‌ویژه به‌عنوان یک کنشگر سیاسی، اوضاع هرروزه را رصد می‌کرد و بر ناامالیات ناشی از عملکرد مقامات می‌شورید، به گونه‌های مختلف، نامش و فعالیت‌هایش به گوش همگان می‌رسید و با احترام از ایشان نام برده می‌شد و هنوز هم نام برده می‌شود. نوشتن درباره شخصیت بزرگ و چندبعدی دکتر فضل‌الله صلواتی فرصت زیادی می‌طلبد که نتیجه‌اش در یک یادداشت مطبوعاتی نمی‌گنجد؛ بلکه وسعت ده‌ها مقاله را می‌طلبد تا حق مطلب ادا شود. ازاین‌رو نگارنده در این نوشته کوتاه صرفاً نگاهی گذرا به فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی آقای دکتر می‌اندازد تا به مناسبت مراسم نکوداشت او، به‌عنوان یکی از علاقه‌مندان به ایشان ادای وظیفه کرده باشم.

فضل‌الله صلواتی، مرد نیک‌نام زمانه ما از همان جوانی به خاطر داشتن روحیه‌ای شجاع و بی‌پروا و اعتقاد عمیق به آموزه‌های دینی، سری پرشور و روحی آزادمنشانه توأم با دغدغه دفاع از رنج‌دیدگان و دربندشدگان داشت؛ اما راه رفیع این دغدغه‌ها را بیدارکردن نسل جوان و آگاه‌ساختن زنان و مردانی که تحت ستم نظام حاکم بودند، می‌دانست؛ بنابراین از همان موقع که در دبیرستان بود، با پایه‌گذاری انجمن‌های دینی در مدارس و در محله‌های متعدد اصفهان، خود را درگیر مبارزه‌ای بی‌امان با

**دفترچه و سند دستگاه چاپ KBA**

**مدل KING PRESS به شماره کوتاژ**

**۸۹/۹/۲ مورخ ۷۸۰۰۳۱۱A**

**متعلق به اینجانب مهدی رحمانیان**

**مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.**